

راهکارهای سازگاری محیط زیست با الگوی اسلامی پیشرفت

صادق صالحی^۱، زهرا پازوکی نژاد^۲

چکیده

مقاله حاضر جنبه های محیط زیستی دیدگاه اسلامی را بیان می کند و به مقایسه تفکر اسلامی و نظریه های نوین علمی درباره حفاظت و پایداری پرداخته است. پژوهش حاضر نشان می دهد که در حالی که نظریه های غربی، حفاظت محیط زیست را واکنشی به نیروهای خارجی و دستیابی به منافع خاص مورد تاکید قرار دادند، اسلام حفاظت محیط زیست را تنها راه حفظ تعادل حیات می داند. محققان مسلمان نسبت به محققان غربی سهم ناچیزی در بحث و بررسی موضوع محیط زیست دارند. این محققان، عمدتاً، جنبه های اخلاقی و تجویزی حفظ محیط زیست را مورد توجه قرار دادند و مطالعات محدودی وجود دارد که به صورت نظام مند، به محیط زیست و ابعاد گوناگون آن پرداخته باشند و حتی همین مطالعات اندک راهکارهای عملی و ابزارهایی که بتواند امنیت محیط زیستی را تضمین کند ارائه نکردند. این مقاله تلاش دارد تا با مقایسه دیدگاه های غربی و اسلامی محیط زیست گرای، دلالت های سیاستی بهبود رفتارهای محیط زیستی در جامعه اسلامی را ارائه کند. رویکرد اسلامی، دلالت های سیاستی صریحی برای هر دولت اسلامی در عصر مدرن دارد و دولت می تواند یک سیاست محیط زیستی مبنی بر ایجاد دغدغه عمومی طراحی کند تا شرایط مطلوبی برای حیات اجتماعی اسلامی ایجاد شود.

واژگان کلیدی: اسلام، محیط زیست، غرب، مقایسه، الزامات سیاستی

۱. مقدمه

کشور ایران با معضلات قابل توجهی در بخش هدررفت انرژی، آلودگی هوا و آب به خصوص در شهرها و مناطق صنعتی و تولید انبوه زباله روبه رو است. سهل انگاری، صرفه جویی در سرمایه گذاری و عدم تقبل هزینه زیاد سبب گشته تا روند آلودگی در ایران سیر صعودی پیدا کند. آلودگی منابع آبی، بی توجهی در نحوه و میزان مصرف در کنار گرمایش بی سابقه سال های اخیر و خشک شدن بسیاری از منابع آبی مهم ایران طی سال های اخیر موجب می شود تا منتظر وقوع بحران های مهم بود. هر چقدر عوامل فردی و نهادی آلودگی ها شدت داشته باشد، اما ابزار نظارتی

۱دانشیار جامعه شناسی محیط زیست - دانشگاه مازندران، email: s.salehi.umz.@gmail.com

۲دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران - دانشگاه مازندران، Email: zahrpazoki1464@gmail.com

هشتمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ اکلوی؛ شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

یعنی کنترل در قالب سیاست های مجازاتی خود موجب گسترش روزافزون جرایم زیست محیطی شده است. چرا که تحقیقات در ایران و طی دهه ی ۱۳۸۰ نیز نشان داده اند تعداد گستره جرایم زیست محیطی ناشی از آلاینده‌گی ها به مراتب بیشتر از تخریب زیستگاه ها بوده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱). باید به خاطر سپرد، در دهکده جهانی که همه ما در آن ساکن هستیم هیچ مرز انسان ساختی در دریاها و آسمان ها وجود ندارد که بتواند مانع از رسیدن آلودگی ها به مناطق دیگر شود. به عبارت دیگر، آلودگی ها تنها در یک مکان نمی مانند. بنابراین، آلودگی محیط زیست در ایران وضعیت اظهار شده ای است که با ارزش های شمار مهمی از مردم مغایرت پیدا کرده و باید برای تغییر آن وضعیت اقدام شود. به تعبیر دیگر، آلودگی محیط زیست در ایران خود را به عنوان مساله مخاطره آمیز نمایان کرده است. نژاد انسان اساسا به طبیعت وابسته است و بدیهی است که طبیعت نیز برای معاش، رشد و توسعه انسان لازم و ضروری است. با این حال، توسعه و ترقی تمدن بشری (تامین کننده فرآورده های لازم برای حیات، فضای زیست، کیفیت زندگی، تنوع زیستی و اقتصادهای ملی) موجب گشته زیست کره بحران زده شود و علائم نیز نشان دهنده فشار سنگینی است که انسان بر آن وارد کرده است: کاهش منابع طبیعی، نازک شدن لایه اوزن، باران اسیدی، از بین رفتن تنوع زیستی، آلودگی هوا، آب و خاک. با این وجود، آینده ما به زیست کره وابسته است. با برجسته شدن اهمیت حفظ محیط زیست و آغاز جستجوی منابع رهایی بخش، نگاه ها متوجه دین نیز شده است. در حقیقت، در جهان معاصر، دین و مذهب به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش معضلات محیط زیستی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از محققان تلاش دارند تا علت های فلسفی موثر بر نگرش استثمارگونه انسان به محیط زیست را بیابند. بخشی از این جستجو، تعمق در فلسفه های موثر بر دیدگاه انسان و تعاملش با جهان هستی و نقش مسئولیت پذیری دینی در شکل گیری نگرش ها و فلسفه های بی حرمتی به طبیعت است (آکتان^۱، ۲۰۱۶: ۴۳۸). اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این باورند که سیاست محیط زیستی کارآمد نیازمند جامعیت و حمایت های دینی و اخلاقی است؛ زیرا در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زرتشت و غیره احترام به طبیعت و همه عالم هستی به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه است (ابراهیمی سالاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). تفکر درباره طبیعت، اجزا و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، انسان را همواره به آن ترغیب و توصیه می نماید. در دین اسلام، محیط زیست بعد مهمی است و اگرچه

کلمه محیط زیست صراحتاً در قرآن و سنت ذکر نشده است با این حال، چنانچه ما معنای محیط زیست را زمین و هر آنچه آن را احاطه کرده است در نظر بگیریم، متوجه می شویم که این مفهوم ۱۹۹ بار در قرآن اشاره شده است (www.Islamset.com). اصول اساسی اسلام مبتنی بر این نگرش عمیق و تطبیقی قرار دارد که مردم محیط زیست را باید حفظ کنند و به آن احترام بگذارند. در اسلام این تنها راه حفظ پایداری و بقاست. خداوند همه چیز را در تعادل خلق کرده است. اتلاف منابع و تخریب آن تعادل محیط زیست را برهم می زند. برای مثال، پدیده های محیط زیستی مانند گرمایش جهانی و تغییرات آب و هوا نتیجه ی تخریب منابع طبیعی هستند. این پدیده ها عدم تعادل محیط زیست را نشان می دهند. با حفظ تعادل منابع طبیعی، مردم می توانند از بروز مشکلات محیط زیستی که غیرقابل پیش بینی اند، جلوگیری کنند و از خودشان محافظت کنند (عبدالنامی سلیم^۱ و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۰۹-۱۱۰).

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

مسئله قسمت اعظم مسائل محیط زیستی ما هم چنان باقی است. زیرا حل آنها مستلزم تغییر شکل تولید و مصرف و هم چنین شیوه های سازمان اجتماعی و زندگی های شخصی است این واقعیت که تمامی مسائل مذکور وارد مباحث عمومی شده اند و این که آگاهی فزاینده ای نسبت به همبستگی متقابل و خصلت جهانی آنها به وجود آمده است مبنایی برای حل آنها می بایست مبنایی برای اصلاح جهت گیری نهادها و خط مشی ها به سوی نام اقتصادی و اجتماعی پاسخگو در برابر مسائل محیط زیست باشد. دولت ها به تنهایی مسئول طراحی و اجرای راهکارهای زیست محیطی در مرزهای یک کشور نیستند. تمایل به مشارکت تابع دموکراسی های نیرومند داخلی و حضور دولتی دغدغه مند نسبت به محیط زیست است (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲۵). اتکا بر ارزش های دینی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست می تواند هم تشویق کننده و هم بازدارنده باشد. فرد از دین برای تصمیم گیریهای خود بهره می برد و از آن طریق نگرش ها و باورهای خاصی را در خود نسبت حفظ محیط زیست ایجاد می کند (صالحی و حمایت خواه جهرمی، ۱۳۹۲: ۵۰۷). مدرنیته بازاندیشانه در ایران می طلبد که روابط متقابل و هنجارهای مقوم همکاری و فعالیت های داوطلبانه وجود داشته باشد. در جامعه ای که هنجارها و فرهنگ مشارکت مدنی خواه به دلیل تربیت تاریخی یا فعالیت نهادهای مدنی شکل گرفته است و به شکل موثری در تسهیل کنش جمعی همکارانه بین اعضای جامعه عمل می کنند این روند تسریع می شود (پاک سرشت، ۱۳۹۳: ۷۶). حتی سید حسن نصر فیلسوف اسلامی

1 Abdelnabi Salem

هشتمین کنفرانس اکوسیستم‌های اسلامی ایرانی؛ شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

معاصر بر این باور است که علت بحران محیط زیست معنویت زدایی از طبیعت است و فلسفه اسلامی می‌تواند در حل این مسائل راهگشا باشد (صالحی و عنایت خواه جهرمی، ۱۳۹۲: ۵۱۲). بنابراین ظرفیت جامعه برای پایبندی به محیط زیست به عنوان یک خیر عمومی به کیفیت نهادهای رسمی وابسته است که تحت نظارت آنها قرار می‌گیرند. یعنی باید به نقش دولت و نهادهای دولتی یا همان ترتیبات نهادی توجه داشت. دولت باید زمینه لازم برای ظهور سنت‌های مدنی - اسلامی در جامعه که تشکل‌های مردمی محیط زیستی از جمله آن هستند را فراهم نماید. هم‌چنین، عدم اعتماد متقابل بین مردم، عدم تغییر هنجارها و عادت‌واره‌ها، فرسایش ارزش ساده زیستی نزد مردم، راحت‌طلبی، دور دانستن زمانی و مکانی پیامدهای منفی مخاطرات محیط زیستی نیز از موانع شکل‌گیری شهروندی پایدار در جامعه ایران است. پس آموزه‌های دینی می‌توانند به بهبود مسئولیت‌پذیری یک فرد دین‌دار در برابر محیط زیست کمک کند.

۳. مبانی نظری (نظریه‌ها و پیشینه تحقیق)

محیط زیست گرایی از دیدگاه غرب

در شاخه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست، نظریه‌های علمی مانند نوسازی بوم‌شناختی، سرمایه‌داری طبیعی، اکومارکسیسم و پارادایم نوین محیط زیستی ظهور کردند که هدف‌شان پاسخگویی به سوالاتی از این قبیل بود: بازخورد اثرات زیست‌محیطی در زندگی انسان و موقعیت اجتماعی او در جامعه چگونه است و چگونه جامعه مدرن / سرمایه‌دار می‌تواند در برابر محیط زیست پاسخگو باشد. در این‌جا، این نظریه‌ها مرور می‌شود.

الف) مکتب نوسازی بوم‌شناختی در دهه‌ی ۱۹۸۰ با آراء هوبر^۱ در آلمان و هلند شکل گرفت. هوبر معتقد بود که سرمایه‌داری سبز^۲ یک گزینه‌ی احتمالی و مطلوب است. این مکتب در جستجوی پاسخی برای این پرسش است که چگونه می‌توان فرایند‌های تولید را با رعایت معیارهای بوم‌شناختی فراهم ساخت (تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۸). هانیگن (۱۳۹۳) در مورد نظریه نوسازی بوم‌شناختی یا اکولوژیکی توضیح می‌دهد که منظور اسپارگون^۳ و مول^۴ از نوسازی اکولوژیکی، تغییر اکولوژیکی فرایند صنعتی شدن در جهتی است که به حفظ منابع معاش موجود توجه نماید به تعبیر گزارش برانت لند^۵ نوسازی اکولوژیکی همانند توسعه‌ی پایدار، از امکان غلبه بر بحران‌های زیست‌محیطی

1 Huber

2 Green capitalism

3 Spaargaren

4 Mol

5 Bruntland report

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بدون ترک مسیر نوسازی حکایت می‌کند. در نظریه نوسازی بوم شناختی پیشنهاد می‌شود که پنج ساختار اجتماعی و نهادی باید از نظر اکولوژیکی تغییر یابد که عبارتند از: فناوری و علم - فعالیت در جهت نوآوری و تحویل فناوری های پایدار؛ بازار و عوامل اقتصادی - معرفی ابتکارات برای پیامدهای مطلوب زیست محیطی؛ دولت - ملت ها - ایجاد شرایط بازاری مطلوب جهت تحقق این امر؛ جنبش های اجتماعی - اعمال فشار بر اقتصاد و دولت تا به حرکت در مسیر اکولوژیکی ادامه دهد؛ و ایدئولوژی های اکولوژیکی - اصرار بر تشویق افراد جهت مشارکت در نوسازی بوم شناختی و قرار گرفتن در مسیر جامعه دارد (ساتن، ۱۳۹۲). بر خلاف رویکرد توسعه ی پایدار که در آن هیچ تلاشی برای توجه به مشکلات جوامع کمتر توسعه یافته ی جهان سوم صورت نمی‌گیرد، این نظریه بر اقتصادهای کشورهای اروپای غربی تمرکز می‌کند که باید از طریق جایگزینی میکروالکترونیک، تکنولوژی ژنتیک و سایر فرایندهای "پاک" تولید به جای تکنولوژی های قدیمی تر مرتبط با صنایع شیمیایی و کارخانه ای، محیط زیستی شوند (ساتن، ۱۳۹۲).

ب) نظریه سرمایه داری طبیعی: در نظریه سرمایه داری طبیعی محققانی مانند پائول هاوکین، آموری لوینز، ال. هانتز لاینز در اثر خود با عنوان سرمایه داری طبیعی: انقلاب صنعتی دوم، نظریه ای مشابه با نظریه نوسازی بوم شناختی را در ارتباط با نقش فناوری، دولت و بازار در حل مسائل زیست محیطی مطرح کردند. به نظر این محققان، انقلاب صنعتی دوم، واکنشی به تغییر الگوهای کم یابی است. در عین حال که شرایط سختی را ایجاد می‌کند، اما فرصت هایی را نیز برای شرکت های سازگار شونده مهیا می‌کند. آنها چهار تغییر اساسی را برای انتقال به سرمایه داری طبیعی پیشنهاد نمودند:

- افزایش سریع و شدید بهره وری استفاده از منابع. تغییرات بنیادی در فناوری و طراحی به ذخیره سازی ارزشمند در منابع منجر می‌شود.
- تغییر در تولیدات بیولوژیکی بدون تولید سم یا ضایعات. سرمایه داری طبیعی درصد حذف ضایعات است.
- تغییر مدل تجاری از ساخت و فروش کالاها به تامین خدماتی که کالاها را تحویل می‌دهند. مدل سرمایه داری طبیعی ارزش را به عنوان جریان مستمر خدمات ارائه می‌دهد.
- سرمایه گذاری مجدد در سرمایه طبیعی و انسانی. هر سرمایه گذار خوب در سرمایه تولیدی مجددا سرمایه گذاری می‌کند (گولد^۱ و لوئیس^۲، ۲۰۱۵: ۴۵-۴۴).

1 Gould
2 Lewis

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ج) اکومارکسیسم: اکومارکسیسم در جستجوی اصلاح جنبه‌ی تولید گرایی^۱ تئوری مارکس بوده است. جیمز اکانر^۲ تولید گرایی را نوعی تناقض ثانویه سرمایه داری بین نیروهای تولید و شرایط (ضرورتاً طبیعی و محدود) تولید می‌داند که این نیروها درصدد تخریب شرایط طبیعی محدود و فانی هستند (تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۸). در حالی که طرفداران نوسازی بوم شناختی معمولاً خوش بینانه به مسائل می‌نگرند (یرلی^۳، به نقل از تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۸) و نتایج را محتمل الوقوع و قابل نقض می‌دانند؛ اکثر اکومارکسیست‌ها بر این باورند که سرمایه داری پایدار^۴ یک احتمال نیست از این رو محدود به کار پر زحمت تولید^۵ است و باید یا رشد کند و یا از بین برود؛ اما برخی معتقدند که با کالاسازی طبیعت^۶ و تبدیل آن به انبار سرمایه می‌توان آن را مدیریت کرد. بحران زیست محیطی اجاره بهای جدید حیات جامعه سرمایه دار لیبرال بوده (اکانر، به نقل از تریسی، ۲۰۰۸: ۴۵۹) و فرصت‌های تازه‌ای را برای رشد، کسب مشروعیت و سود دارا می‌باشد و این ممکن است پاسخی احتمالی نسبت به تهدید تغییر آب و هوا باشد (بوچر^۷ و رزوارن^۸، ۲۰۰۸: ۴۵۹). این دو مکتب خود را اومانیزست^۹ می‌پندارند و مدعی‌اند که دغدغه‌شان، رفاه جامعه و قبول نیاز به دانش علمی و وجود محدودیت‌های اعمال شده از سوی طبیعت خارجی است.

د) پارادایم مسلط اجتماعی: علم گرایی، دیدگاه جزء گرایانه، جدایی انسان از طبیعت و تسلط بر آن و نیز نحوه ارزشگذاری آنگونه که در دنیای معاصر رواج دارد سبب شده تا انسان مدرن اصالت را به ماده دهد و رفاه و امرار معاش را به عنوان هدف غایی حیات بشناسد. تاثیر این تفکر بر سیاست‌های محیط زیستی سبب شد تا این سیاست‌ها انسان‌گرا و برپایه محوریت انسان تدوین گردند. تفکر مرکزیت انسان به عنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولید کننده در نظام طبیعت حقی را در ذهن او ایجاد می‌کند که تنها به خود بیندیشد (امین زاده، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰). پارادایم مسلط اجتماعی بشر را تنها حکمران کره زمین دانسته و بر معافیت بشر تاکید دارد به طوری که انسان‌ها نیازی به پیروی از قوانین طبیعت ندارند و انسان از طبیعت جدا است و ضمن این که خود را وارث و حاکم بر طبیعت می‌داند، هیچ حقی برای موجودات غیر از خودش قائل نیست (ژینو^{۱۰}، ۲۰۰۰: ۲). انگاره معافیت بشر ریشه در دوره

1 Productivism

2 James O'Connor

3 Yearley

4 Sustainable capitalism

5 Treadmill of production

6 commodifying nature

7 Boucher

8 Rosewarne

9 humanist

10 Geno

هشتمین کنفرانس اکوسیستم‌های ایران؛ پیشرفت؛ اکوسیستم؛ پیش‌بینی؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

روشن‌نگری جوامع صنعتی غربی دارد و دارای سه بعد فنی، اقتصادی و سیاسی است. خوش‌بینی نسبت به فناوری از ویژگی‌های بعد فنی این پارادایم است که در آن، تمام مشکلات بشر می‌تواند با کمک فناوری حل شود. بعد اقتصادی آن بر مبنای اقتصاد آزاد است و بر نفع شخصی تاکید دارد. بعد سیاسی نیز بر دموکراسی آزاد بنا شده است و بر مالکیت و حریم خصوصی، بی‌طرفی سیاسی و فردگرایی انحصاری تاکید دارد. تحقیقات نشان داده است که این پارادایم با نگرش‌های زیست محیطی رابطه منفی دارد (کیلبرون^۱ و پولونسکی^۲، ۲۰۰۵: ۳۹). به تدریج و به علت ناکارآمدی فناوری‌هایی که انسان‌ها آن را مایه خیر و برکت می‌دانستند، نظریات و باورهای طبیعت-محور شکل گرفتند که مجموعه‌ای از آنها را می‌توان در پارادایم نوین زیست محیطی مشاهده کرد. ریشه‌های پارادایم نوین زیست محیطی ریشه در جنبش زیست محیطی دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد که با چاپ کتاب راشل کارسون^۳ با عنوان بهار خاموش^۴ الهام گرفته شد (ساتن، ۱۳۹۲ و کارسون، ۱۳۸۸).

۵) پارادایم نوین محیط زیستی: کاتون^۵ و دانلپ این رویکرد جدید نسبت به محیط زیست را پارادایم نوین محیط زیستی و بعدها پارادایم نوین اکولوژیکی نامیدند و بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال رشد زیست محیطی نه تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی هم نتایج مهمی به بار خواهد آورد (دانلپ، ۲۰۰۲: ۲۳۸). این رویکرد عرصه‌ی جدیدی را در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که محیط زیست را به اندازه‌ی فرایندهای سیاسی و اقتصادی، برای درک شرایط اجتماعی ضروری می‌داند. در ابتدا به این پارادایم به صورت یک رابطه تک بعدی از روابط بین انسان و کیفیت محیط زیست نگریسته می‌شد، اما به مرور زمان از آن به عنوان ترکیبی از یک ساختار پیچیده یاد می‌شود که مرکب از سه عنصر تعادل اکولوژیکی، توسعه محدود و رد تسلط انسان بر طبیعت است. در این پارادایم انسان از طبیعت جدا نیست بلکه بخشی از آن به شمار می‌رود (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰۲). یکی از انتقادهایی که به این پارادایم وارد شده است این است که طیف نوین زیست محیطی فاقد عناصر مهم جهان بینی حفاظت از محیط زیست است و لذا ناقص است. به خصوص اینکه گفته می‌شود این طیف نمی‌تواند جهان بینی

1 Kilbourne
2 Polonsky
3 Rachel Carson
4 Silent Spring
5 Catton

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دودم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بوم-محوری یا زیست محوری را که از اواخر دهه بیستم وارد ادبیات اخلاق زیست محیطی شد، بسنجد) اندرسون^۱، ۲۰۱۲: ۲۶۱).

محیط زیست گرایی از دیدگاه اسلامی

قران و سنت منابع تفکر اسلامی هستند. شریعت راهنمای مسلمانان است. در اسلام تعیین آنچه مفید یا مضر است صرفاً مبتنی بر استدلال انسانی نیست و شریعت اسلام آنها را تعیین می‌کند. این اصول طرز فکر و عملکرد ۱،۶ میلیارد مسلمان را تعیین می‌کند. در اسلام، مالک حقیقی خدا است و حیات از او نشأت می‌گیرد. رفتار انسان در برابر محیط زیست طبیعی بر اساس فرمان خداوند ارزیابی می‌شود. ارزش‌های کانونی در اسلام مستقیماً با توحید و بندگی خداوند مشخص شده است. بنابر این، ارزش ذاتی فقط به خدا تعلق دارد و ارزش چیزهای دیگر در رابطه با او تعریف می‌شود. پس همه ی چیزهای زنده و بی جان ارزشمند بوده و انسان مسئول مراقبت از طبیعت و همه اجزا و تعلقات آن است. در این نگرش، معیار ارزیابی برای یک عمل با علم اخلاق تعریف می‌شود. عمل انسان اخلاقاً زمانی درست است که او مطابق با آیین الهی عمل کند. برخورد با طبیعت براساس فرمان الهی همان چیزی است که در اسلام از انسان خواسته می‌شود در برابر طبیعت و هستی عمل کند. از این رو، عملکرد انسان در برابر طبیعت را می‌توان بر اساس چنین فرمان‌هایی ارزیابی کرد(عابد سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸). جدول (۱) دو پرسش اخلاق محیط زیستی و پاسخ به آن را بر اساس یک رویکرد اسلامی نشان می‌دهد.

جدول (۱): دو پرسش اساسی و پاسخ علم اخلاق اسلامی به آن

ارزش ذاتی به چه کسی تعلق دارد؟ از منظر حکمت الهی: همه موجودات زنده و بی جان (کل هستی) مخلوقات خداوند هستند و دارای ارزش اند. آنها شایسته برخورد با رعایت ملاحظات اخلاقی هستند.
معیارهای ارزیابی یک رفتار اخلاقی چیست؟ علم الهیات: مطابق با دستورات الهی با طبیعت و اجزای آن برخورد و عمل باید شود.

منبع: عابد سروستانی و شاه ولی (۲۰۰۸)

دیدگاه اسلامی سهم خاصی را برای الهی محوری قائل است که طبق آن، خداوند خالق و احاطه کننده بر هر مخلوقی است. تبیین اخلاق محیط زیستی بر این اساس سبب شکب گیری یک رویکرد اخلاقی تطبیقی تر برای درک رابطه متقابل انسان طبیعت می‌شود(عابد سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸: ۶۱۳).

1 Anderson

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جدول (۲): مقایسه مکاتب ارزشی مختلف درباره محافظت از محیط زیست

معیارها				ارزش های کانونی
جامعیت	تضمین ها	مسئولیت پذیری	پیوستگی بین انسان و طبیعت	
انسان اولویت دارد	منافع انسانی نباید به خطر بیفتد	انسان ها نسبت به یکدیگر متعهدند	انسان ها و طبیعت دو چیز متفاوت هستند	انسان محوری
گونه های زنده اهمیت دارند	حیات برخی از گونه های زنده نباید تهدید شود.	انسان فقط در برابر برخی از موجودات زنده مسئول است	انسان ها و گونه های زنده در برخی چیزها با هم مشترک اند	زیست محوری
اجزای اکوسیستم مهم اند	ثبات اکوسیستم نباید به خطر بیفتد	انسان فقط در برابر اکوسیستم به عنوان یک کلیت مسئول است	انسان ها به اکوسیستم مرتبط اند	محیط محوری
کل هستی اهمیت دارد.	مخلوقات و هستی نباید تهدید شود.	انسان در برابر خداوند و مخلوقاتش مسئول است	انسان با همه مخلوقات خداوند در ارتباط است	خدای محوری

منبع: عابد سروستانی و شاه ولی (۲۰۰۸)

هم چنین دو نگرش نسبت به روابط بین انسان و طبیعت وجود دارد: شیوه مداخله گرایانه و شیوه تربیتی^۱؛ خدا، انسان ها و طبیعت ارکانی مجزا اما در سلسله مراتب روابط دیده می شوند. این دو نگرش ناکامل هستند. نگرش مداخله گرانه به این دلیل نقد شده است که انسان محور است. اگرچه نگرش تربیتی نیز تلاش دارد تا از منظر اصول اخلاقی رابطه انسان و طبیعت را ببیند اما به دلیل تاکید بر جدایی حیات و مذهب به شدت مورد انتقاد است. در اسلام، رابطه خداوند- انسان و طبیعت وقتی بهتر فهمیده می شود که درک کنیم همه چیزها توسط خداوند آفریده شده است. اسلام رویکرد مناسبی برای حفاظت از محیط زیست نیز هست زیرا همه هستی را یک نظام منسجم و یکپارچه می بیند. اهمیت جهان بینی اسلامی را بهتر می توان درک کرد اگر نیاز به یک پست مدرنیسم غیرانسان محور را تشخیص دهیم. بنابراین رابطه انسان و طبیعت در دیدگاه اسلامی باید این گونه نگریسته شود که نه تنها خداوند همه چیز را خلق کرده بلکه آنها را دربر گرفته است. تحت این شرایط، ذات روابط انسان و طبیعت در یک چارچوب تطبیقی منحصر به فرد قابل توصیف است (عابد سروستانی و شاه ولی، ۲۰۰۸) و بنیان آرای دینی سنتی درباره نظام طبیعت همه مبتنی بر اعتقاد به وحدت وجود است. بر اساس نظریه وحدت وجود، تنها یک حقیقت غایی

1 Nurturing view

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در آفرینش وجود دارد و آن نیز خداوند است. و آن به «وحدت متعالی وجود» تعبیر می‌شود. طی چند سال گذشته برخی از دانشمندان پیشنهاد کرده‌اند که فرضیه گایا که زمین و عالم مرئی مادی را به عنوان یک موجود زنده می‌بیند که همه اجزای آن به شیوه غیرقابل پیش بینی با هم پیوند دارند تبیین می‌کند. فرضیه گایا فرضیه ای است که تنها به حیطه مادی اشیا محدود می‌شود. درست است که کشف پیچیدگی‌های رابطه جنگل‌های آمازون و تغییرات آب و هوا در زمینه مطالعات طبیعت و محیط زیست چارچوب جامعی ارائه می‌دهد اما فرضیه مزبور حتی اگر به کهکشان‌ها و جهان بیکران نیز بسط داده شود هنوزحیطه مادی را به عنوان یک نظام بسته و محدود به خود می‌بیند. ادراک دینی نظام طبیعت افق فرضیه گایا را وسعت می‌بخشد و نه تنها رابطه میان آلودگی خون خرس قطبی با آلودگی رودخانه هودسن را نشان دهد بلکه قادر است تعادل همه جانبه ای را که به برکت کلام و تجلیات گوناگون اصل الهی ای نشان دهد که بر ملائک و مراتب معنوی، برزخی و روانی عوالم دینی مختلف حاکم است. بنابراین ادراک دینی نظام طبیعت حقیقت «ادراک وجود» را روشن می‌سازد، در صورتی که فرضیه گایا تنها انعکاسی از حقیقت، تجسم عرضی و دو بعدی آن است(نصر، ۱۳۸۹: ۵۳۴-۵۳۵). هم چنین در جدول (۲) معرفت اسلامی و سایر مکاتب ارزشی در اخلاق محیط زیستی مقایسه شده است که فواید آنها را می‌توان در نحوه محافظت از طبیعت درک کرد. زمانی که ما به سوال بدون پاسخ درباره یافتن راهی برای رسیدن به اجماع درباره عملکردمان نسبت به هستی برمی‌گردیم، اهمیت این مقایسه بهتر تشخیص داده می‌شود. این اجماع و توافق برای موعظه موجودی مانند انسان و بازداشتن او از تخریب محیط زیست لازم است. معرفت دینی اسلامی بر روی یک سری از عوامل مهم برای حفاظت از محیط زیست تاکید دارد. این‌ها عبارتند از پیوستگی بین انسان‌ها و طبیعت، تضمین عملکرد درست و جامعیت که در جدول شماره ۲ این محورها در بین کانون‌های ارزشی اخلاق محیط زیستی مقایسه شده‌اند. اخلاق محیط زیستی اسلامی اهمیت چنین عملکردهایی را با بیان نقش و اهمیت مخلوقات و نیز نحوه برخورد انسان با آنها ترویج نموده است:

- الف. طبیعت هدیه خداوند است: بیش از ۷۵۰ آیه در قرآن است که به طبیعت مربوط است/ گفته شده است که طبیعت در واقع فضل خداوند برای بشریت و همه موجودات زنده در روی زمین است(سوره جاثیه، آیه ۱۳).
- ب. آب: در فرهنگ اسلامی، آب بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کلمه «ماء» تقریباً ۶۰ بار در قرآن آورده شده است. آب منشا حیات است(سوره انبیا، آیه ۳۰).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ج. زمین: هر مسلمانی در نمازهای یومیه چندین بار در برابر خداوند بر روی زمین سجده می کند. در متون اسلامی زمین اصلی برای خلقت انسان معرفی شده است. (سوره طه، آیه ۵۵). هم چنین، زمین مادر همه انسان ها معرفی شده است. پیامبر اسلام می فرماید: از زمین مراقبت کنید زیرا آن مادر شماست.

د. نهی از جنگل زدایی: اسلام مخالف قطع درختان و تخریب جنگل هاست. اسلام به شدت مسلمانان را به کاشت درختان و گیاهان و مراقبت از آنها توصیه کرده است و آن را نوعی عبادت می داند.

ه. حفظ منابع آب: آب در قرآن ریشه حیات عنوان شده است. خداوند در قرآن درباره نحوه حفظ حیات از طریق آب و پایداری بقای آن به وسیله باران، رودخانه ها و اقیانوس ها که مایه حیات میلیون ها مخلوق هستند سخن گفته است. (سوره نحل، آیه ۶۵).

و. حفاظت از جانوران و گونه ها: خداوند می فرماید: همه موجودات زنده به اندازه انسان ها حق حیات دارند و حریم آنها باید حفظ شود. بنابراین باید برای حفظ حیات گونه های جانوری و گیاهی تلاش کنیم.

ز. حفظ منابع به عنوان امانت الهی: تاکنون درباره مفهوم نگهبان^۱ (خلیفه) در اندیشه مدرن محیط زیستی بسیار سخن رفته است. از نقطه نظر قرآن، این جایگاه کاملا روشن می باشد: «و چون پرودگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گذاشت». (سوره بقره، ۳۰). خداوند مالک حقیقی همه منابع است. بشر بایستی به طریق های درست از آنها استفاده کند و در صورت تملک باید آنها را امانت الهی بداند و نباید آنها را هدر دهد. امانت بودن طبیعت، به انسان وظیفه ی محافظت از آن را گوشزد می کند. پیامبر اسلام (ص) نیز فرموده است: «اگر مسلمانی درختی بکارد یا مزرعه ای آباد کند و پرندگان، جانوران و افراد از آن بهره مند شوند نوعی خیرات برای او محسوب می شود». حفاظت از محیط زیست زمانی محقق می شود که چنین ارزش هایی مورد قبول همگان واقع شود و بخش جدایی ناپذیر از روان و وجود شخص شود. در واقع انسان در میان یک رابطه دو جانبه قرار گرفته است: انسان خلیفه و نگاهبان سایر مخلوقات زمین است که در قبال آنچه که به آن تسلط دارد مسئول و متعهد شده و در عین حال خود انسان بنده خداوند است چرا که در قبال رفتار خود پاسخگو باید باشد (فولتر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

ط. آخرت (حیات ابدی): در نظام ارزشی اسلام همه اعمال نیک پایدار است ولی برخی از کارها به عنوان اعمال جاودانه و ماندنی مطرح شده اند. از جمله آثار خیر ماندنی، احیای محیط زیست مانند درختکاری، حفر قنات یا چاه

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آب، سد سازی و دیگر فعالیت هایی است که بستر مناسبی را برای زیست بشر فراهم می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). آخرت یکی از باورهای بنیادی اسلام است. و دلالت بر اصل اسلامی مسئولیت پذیری و حسابرسی دارد یک مسلمان باور باید داشته باشد که هر کاری (خوب یا بد) حتی به اندازه ذره ای باشد در آخرت محاسبه می شود. او قطعاً تاثیر انتخاب هایش بر زندگی اخروی خود را باید پیش از هر تصمیمی برآورد کند. این باور همچون سیستم نظارتی درونی در ذهن و قلب یک مسلمان بوده و او را در قرار گرفتن در مسیر درست و بازداشتن از اعمال ناشایست و بیهوده باز می دارد. آیات ۷ در سوره زلزله، ۱۵ در سوره جاثیه، ۳۱ در سوره نجم گواه بر این نظرات است. بنابراین یک جامعه اسلامی رفتارهای محیط زیستی مسئولانه ای باید داشته باشد که به حفظ تعادل آن کمک کند.

ی. مقابله با فساد: فساد انواع مختلفی دارد - جرایم، تقلب سیاسی، نظام های بانکداری غیرقانونی، سرقت، اهدکار و غیره. بسیاری از این نوع فسادها پنهانی انجام می شوند و می توان به فهرست آنها جرایم محیط زیستی را نیز افزود مانند جنگل زدایی، آلوده ساختن منابع طبیعی (زمین و آب با پسماندها)، تخلیه غیرمجاز پسماندهای صنعتی، جنگل زدایی و غیره. قطعاً زشتی چنین اعمالی به اندازه قتل نیست ولی در بلند مدت بلای جان انسان ها شده و حیات آنها را تهدید می کند. و این چیزی است که قرآن درباره آن هشدار داده است (سوره قصص، آیه ۷۷). هر عمل شایسته ای از جانب خداوند رحمت را به همراه دارد و هر عمل ناشایستی نیز متعاقباً خشم و غضب الهی را به همراه خواهد داشت. (فولتر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱۵). «به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند» (سوره روم، آیه ۴۱). فساد در بخش محیط زیست در قالب اختلاس و رشوه خواری، رباخواری به نقصان منابع طبیعی و آلودگی محیط زیستی شده و فرایند نظارت را مختل می کند. فساد موجب توسعه سیاست های مخرب محیط زیستی و اختصاص ناعادلانه منابع طبیعی می شود. می توان گفت به دلیل سرمایه گذاری و تامین مالی ضعیف، مدیریت ضعیف سازمان ها و نهادهای مرتبط، عدم برنامه ریزی و سیاست گذاری صحیح در بخش محیط زیست و منابع طبیعی، فساد در این بخش بیشتر آشکار می شود (اصغری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۲). بررسی نقش فساد و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر کیفیت محیط زیست کشورهای اسلامی حوزه منا^۱ طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ نشان داد که وجود فساد منجر به تخریب محیط زیست گشته است.

^۱ کشورهای منتخب حوزه منا شامل ایران، بحرین، عربستان، الجزایر، مراکش، تونس، مصر، یمن، امارات متحده عربی، سوریه، قطر، عمان و اردن است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ک. کاهش فقر: مطالعات علمی مختلفی تایید کردند که فقر و تخریب محیط زیست ارتباط مستقیمی با هم دارند. کنترل فقر برای حفاظت از محیط زیست لازم است. در اسلام دستگیری از مستمندان و مقابله با فقر توصیه شده است. (سوره ی فجر، آیه ۱۸ و ۱۷). مساله تخریب محیط زیست و فقر مشترکات بسیاری دارند. در کشورهای در حال توسعه فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع طبیعی و بهره برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع موجب تشدید تخریب محیط زیست می گردد. و بحران های محیط زیستی نیز به واسطه تحلیل و از بین رفتن منابع مورد استفاده روستائیان بر شدت فقر آنان می افزاید. بررسی شریفی نیا و مهدوی (۱۳۹۰) نشان داد که پایین بودن درآمد سرانه خانوارهای روستایی، بازدهی پایین مراتع و بالا بودن بعد خانوار، پایین بودن سطح تحصیلات و عدم دسترسی به فرصت های شغلی باعث شده بود تا روستائیان از طریق عملکرد مستقیم (بوته کنی به منظور تامین سوخت، فروش و ایجاد اغل) و غیرمستقیم (نگهداری دام مازاد بر ظرفیت مراتع) سبب تخریب محیط زیست و فرسایش خاک مرتع ممیزی شده ی شوررود بخش شیب آب شهرستان زابل شود.

ل. حفاظت کردن و نه اسراف کردن: عدم وارد کردن خسارت بر محیط زیست و مراقبت از طبیعت فلسفه محیط زیست گرای اسلامی است. این وظیفه انسان هاست که از محیط زیست مراقبت کامل داشته باشند. در کنار مراقبت از محیط زیست اسلام انسان را به احتیاط در برابر هدر دادن و اسراف کردن سفارش می کند. (سوره اعراف، آیه ۳۱). م. ساده زیستی: ساده زیستی مهم ترین ویژگی حیات اسلامی است که برای حفظ تعادل محیط زیست ضروری است. قرآن کریم این شیوه زندگی را در مقابله با اسراف و افراط گرایی توصیه کرده است. برای ساده زیستی دو دلالت محیط زیستی وجود دارد:

۱) کاهش تقاضای منابع طبیعی از طریق کاهش مصرف کالاهای تولیدی. مقدار قابل توجهی از ذخایر منابع طبیعی ایجاد می شود که سبب تقویت عرضه این منابع می شود.

۲) ساده زیستی می تواند مقدار تولید ضایعات و هدر رفت ها را (با مصرف بهینه) کنترل کند. این موجب بهبود شرایط سلامتی و بهداشت و نیز کاهش هزینه های بازیافت و تولید پسماند می شود. ورود به این دو کانال می تواند به حفظ تعادل محیط زیست کمک کند.

ساده زیستی ارتباط نزدیکی با الگوهای مصرف دارد. با آزادی اقتصادی، پیشرفت های فنی و گسترش کانال های بازاریابی، عادت های مصرفی بیشتر پیچیده شده است تا ساده تر. برای تغییر دادن الگوهای ناپایدار مصرف می بایست

ذهنیت نسبت به مصرف تغییر کند. معنویت و خودسازی در تغییر طرز فکر افراد تاثیرگذار است. ترویج ساده زیستی آگاهی مصرف کنندگان را افزایش داده، رفتار را تغییر می دهد و موجب بهزیستی شخص می شود. پول و دارایی تنها منبع شادی نیستند بلکه آنها ابزارهایی هستند که به انسان اجازه می دهند در قالب منزلت، روابط و محیط شاد و سالم به شادی دست پیدا کنند (کروننبرگ^۱ و لیدا^۲، ۲۰۱۱: ۷۰).

مقایسه محیط زیست گرایی در دیدگاه های غربی و اسلام

چنان چه بخواهیم محیط زیست گرایی در اسلام و غرب را مقایسه کنیم می توان گفت که تفاوت بین نگرش اسلامی و نظریه های غربی در این است که تفکر اسلامی در قالب شریعت، محیط زیست را بر همه چیز اولویت می دهد و اسلام منافع عمومی را بر منافع فردی اولویت می دهد. بنابر این، شرکت ها و افراد باید از محیط زیست حفاظت کنند حتی اگر انجام آن بر منافع خاص شان اثر بگذارد. تقدم مسایل محیط زیست بر سایر امور را در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان ملاحظه نمود که بیان نموده است:

در اصل ۵۰ قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» این اصل نشان می دهد که نگاه به محیط زیست نباید ابزاری باشد بلکه باید به آن به عنوان یک ارزش نگاه کرد. همان گونه که ادیان الهی به خصوص اسلام چنین نگاهی به طبیعت و محیط زیست دارد و انسان را امانت دار آن می داند.

نظریه های غربی تاکید می کنند که شرکت ها باید از محیط زیست به عنوان بخشی از حفاظت از منافع خودشان در آن محافظت کنند. این منافع در سیاست های محیط زیستی غرب که مبتنی بر نظریه های آن اجتماعات می باشد مختلف اند. برای مثال، شرکت ها از محیط زیست حفاظت می کنند تا از شکایت و محکومیت یا مجازات مالی جلوگیری کنند، مشتری جذب کنند یا تولید ثروت کنند. در مقابل این نظریه ها، تفکر اسلامی یک نگرش الهیاتی و عمومی مبتنی بر قران و سنت ارائه می دهد که یک چارچوب فلسفی جایگزین برای درک روابط متقابل انسان و محیط زیست است. زمانی که مسئولیت پذیری محیط زیستی یک وظیفه مذهبی تلقی شود که شرکت ها و افراد

1 Kronenberg

2 Iida

تلاش می کنند از محیط زیست مراقبت کنند و به عنوان یک عکس العمل نسبت به وظیفه اسلامی شان، این واکنش با انگیزه نیرومند خشنودی و رضایت خداوند توأم می شود که تاثیر معنی داری خواهد داشت.

۴. نتیجه گیری

بحران های محیط زیستی عصر حاضر بیانگر این مطلب مهم هستند که رابطه انسان - محیط زیست بایستی باز تعریف شود تا یک رابطه هماهنگ و پایدار ایجاد شود. در این خصوص اخلاق برای درک و فهمیدن چنین بحران هایی که جامعه را متاثر نموده است لازم می نماید. برای اکثر دانشمندان و بخش قابل توجهی از محیط زیست گرایان، حفاظت از محیط زیست و طبیعت یک مساله اخلاقی مهم است و شیوه زندگی انسان باید تغییر کند تا از محیط زیست طبیعی حفاظت شود. لذا لازم است از دیدگاهی فلسفی و دینی، مسئولیت انسان در برابر آن مورد توجه جدی قرار گیرد. پس به اصولی اخلاقی مناسب برای تعریف رابطه صحیح انسان و محیط زیست احتیاج داریم. در این مقاله، رویکردهای مختلفی در باب اخلاق محیط زیستی و نیز مسئولیت اجتماعی مطرح شد. برخی از رویکردها انسان محور بودند مانند پارادایم مسلط اجتماعی که تنها انسان ها را کانون ارزش دانسته و برای انسان حق معافیت در برابر محیط زیست قائل اند و طبیعت را تنها ابزاری برای تامین نیازهای انسانی می نگرند. از سوی دیگر رویکردهایی نیز هستند که همه مخلوقات را متعلق به جهانی غیر انسانی دانسته و برای آن ارزش غریزی و ذاتی قائل اند و لذا انسان ها باید به آنها احترام بگذارند، علی رغم هر گونه استفاده ای که می توانند برای انسان داشته باشند. با این وجود، هنوز یک نیاز ضروری و فوری برای داشتن یک رویکرد تطبیقی و جامع در امر اخلاق محیط زیستی و مسئولیت پذیری اجتماعی وجود دارد. تا بتواند خواسته های مادی نامحدود انسان را بر اساس میل داوطلبانه و تمایل ارادی برای شرایط بهتر زندگی فراهم کند. در این مقاله دو پاسخ از منظر اخلاق محیط زیستی مطرح شد. دیدگاه اسلامی پاسخی کاملا متفاوت نسبت به سایر رویکردهای اخلاق محیط زیستی دارد. این پاسخ مبتنی بر حکمت الهی و معرفت شناسی اسلامی است. اسلام محیط طبیعی را از زاویه خاص می نگرد که بر اساس آن خداوند بر همه هستی احاطه دارد. در اسلام، مالک جهان هستی خداست و بر این اساس معتقد است که بهترین معیار برای تعریف رفتار انسان با طبیعت، معیارهای الهی است. این معیارها به معنی تعلق ارزش ذاتی به خداوند است و این به این معناست که جهان یکپارچه است. این نگرش به ترویج و نشر یک رویکرد تطبیقی و جامع اخلاق محیط زیستی کمک می نماید که بر اساس آن

هشتمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ اکلوی؛ شرف؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آسیب به محیط زیست بر هم زنده ی یکپارچگی هستی و ایات خداوند است. ویژگی های رویکرد اسلامی اهمیت به کارگیری آن را برای اصلاح رفتار انسان با طبیعت و حفاظت از محیط طبیعی دو چندان می کند.

رویکرد اسلامی دلالت های سیاستی صریحی برای هر دولت اسلامی در عصر مدرن دارد. دولت می تواند یک سیاست محیط زیستی مبنی بر ایجاد دغدغه عمومی طراحی کند تا شرایط مطلوبی برای حیات اجتماعی اسلامی ایجاد شود. این نوع زندگی اجتماعی اسلامی برای خلق عکس العمل ها و عملکردهای مسئولانه نسبت به محیط زیست بسیار اهمیت دارد. رویکرد اسلامی می بایست تعدادی از اقدامات بنیادی که دولت اسلامی باید آنها را انجام دهد تعیین کند. از جمله تعیین پارامترهای منابع اکولوژیکی، طراحی یک نظام انگیزه بخش، نظارت بر اجرای مقررات محیط زیستی و توسعه منابع اکولوژیکی در بخش دولتی. دولت اسلامی، با داشتن یک دیدگاه بلند مدت نسبت به تقاضا و عرضه، پارامترهای منابع اکولوژیکی را در سطح کلان تعیین می کند. در این خصوص، دولت باید آمادگی برای انجام دو نوع برآورد را داشته باشد: یکی بیشینه کمیت پایدار این منابع و نیز بیشینه ظرفیت تحمل پسماندها و آلاینده ها. این برآوردها پارامترهای اقتصاد کلان هستند و ساز و کار بازار به گونه ای باید باشد که امکان عملیاتی شدن آنها مهیا شود (رمضان آکتر، ۱۹۹۶: ۷۳).

دولت اسلامی می بایست یک نظام انگیزه بخش مناسب را طراحی کند. مقررات دولتی نظام پاداش و تنبیهی را ایجاد می کنند که سبب تعدیل و یا تغییر عملکرد شرکت ها و افراد می شود. در برخی از موارد، دولت با تعطیل کردن یک شرکت آلاینده می تواند حداکثر مجازات را اعمال کند و یا در موارد دیگر، بر آنها مالیات وضع کند. با وضع مالیات بر مقدار تولید آلاینده ها، دولت به آلوده کننده ها یک انگیزه اقتصادی می دهد تا میزان تولید آلاینده هایشان را کاهش دهند.

دولت اسلامی باید یک نهاد نظارتی را بر اجرای حقوق محیط زیستی مشخص کند که مستقل عمل کند. این نهاد باید نقش سایه را داشته باشد و رد پای محیط زیستی شرکت ها و افراد و دولت را زیر نظر داشته باشد و با توجه به مشکلات محیط زیستی جدید مانند ریزگردها، تغییر آب و هوا، آلودگی، پسماندها، کمبود منابع طبیعی از جمله آب در قوانین و حقوق محیط زیستی تغییراتی ایجاد کند. دولت اسلامی باید برای گسترش منابع طبیعی و احیای آن ها همت داشته باشد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دولت اسلامی باید از سازمان های مردم نهاد حمایت کند و زمینه را برای فعالیت این سازمان ها فراهم کند. چرا که این سازمان ها نقش زیادی در آگاهی محیط زیستی، اصلاح الگوهای مصرف و کاهش پسماند، حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی ایفا می کنند.

دولت اسلامی برای ترویج ساده زیستی به عنوان شکلی از مصرف پایدار، باید تلاش کند تا مدل های ذهنی و روانی یا ارزش های مصرفی را تغییر دهد. علاوه بر ابزارهای اطلاعاتی و اقتصادی که در بالا ذکر شد، سازوکارهای زیر را نیز می توان در پیش گرفت:

- عوامل خارجی متناسب با موقعیت (فرصت های حمایت) که شیوه های پایدار مصرف را به آسانی در اختیار مصرف کنندگان قرار می دهد؛
- بستر های سازمانی شامل وضع قوانین یا قواعد بر آنچه که در دسترس مصرف کنندگان است مانند استانداردهای تولید؛
- توجه به بستر اجتماعی و فرهنگی مانند هنجارهای اجتماعی، اصول اخلاقی و انتظارات فرهنگی دین و در نهایت
- معرفی دستاوردهای موفق بومی در کنترل آلاینده ها، حفظ محیط زیست.

۵. منابع و مأخذ

- ابراهیمی سالاری، تقی؛ صالح نیا، نفیسه و لشکری پور، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه محیط زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار، همایش ملی پژوهش های محیط زیست در ایران، همدان: دانشکده شهید مفید.
- اصغری، مریم؛ مهری، سهیلا و اسماعیلی، علی (۱۳۹۳). نقش فساد و سرمایه گذاری خارجی مستقیم در کیفیت محیط زیست، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۳، صص: ۱۵۰-۱۳۱.
- امین زاده، بهناز (۱۳۸۱). جهان بینی دینی و محیط زیست (نگرش اسلام به طبیعت)، مجله محیط شناسی، دوره ۲۸، شماره ۳۰: ۹۷-۱۰۶.
- پاک سرشت، سلیمان (۱۳۹۳). ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۵: ۱۰۲-۷۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
- ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲). مقدمه ای بر جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فولتز، ریچارد؛ دنی، فردریک و بهارالدین، عزیزان (۱۳۹۳). اسلام و محیط زیست، ترجمه ی محمد خواجه حسینی و سید شهاب الدین معین الدینین، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

صالحی، صادق، (۱۳۸۹). نگرش جدید نسبت به محیط زیست و مصرف انرژی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی، ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۰، صص: ۱۹۶-۲۱۶.

صالحی، صادق و حمایت خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۹۲). مقایسه تحلیلی ارزش های محیط زیستی جهان اسلام و غرب: تحلیل ثانویه داده های پیمایش ارزش های جهانی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۲: ۵۰۵-۵۱۲.

صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳). نوسازی بوم شناختی و مصرف انرژی، پژوهشنامه توسعه فرهنگی و اجتماعی، (۱)۱: ۱۳۶-۱۲۴.

کارسون، راشل (۱۳۸۸). بهار خاموش، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، علیرضا کوچکی، امین علیزاده، انتشارات دانشگاهی مشهد. شریفی نیا، زهرا و مهدوی، مسعود (۱۳۹۰). نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۰، صص: ۸۴-۶۷.

نصر، سید حسین (۱۳۸۹). دین و نظام طبیعت، تهران: نشر حکمت.

هانینگن، جان (۱۳۹۴). جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.

Abdelnabi Salem, M., Hasan, N., & Hasan Osman, n. (2012). Some Islamic views on environmental responsibility, 2nd International Conference on Environment science and Biotechnology, IPCBEE, Vol.48, 21, DOI: 10.7769/IPCBEE. 2012., Singapore.

Abedi-Sarvestani, A., & Shahvali, M. (2008). Environmental ethics: Towards an Islamic perspective, American –Eurasian Journal of agriculture and Environmental Science, 3(4): 609-617.

Anderson, J. (2012). New Ecological Paradigm (NEP), Scale, from www.nerkshire publishing.com, (13, August, 2013).

Ashtankar, O.M. (2016). Islamic perspectives on environment protection, International Journal of Applied Research, 2(1): 438-441.

Ramazan Akhtar, M. (1996). Towards an Islamic approach for environmental balance, Islamic Economics Studies, 3(2): 57-78.

Dunlap, R. E., Kent, D. V. L., G.Mertig, A., & Jones, R. E. (2000). Measuring endorsement of the new environmental ecological paradigm: a revised NEP scale. Journal of Social Issues, 56(3), 425-442.

Gould, K and Lewis, T. (2015). Twenty lessons in Environmental Sociology, UK: Oxford University Press.

Geno,B. (2000). Replacing the New Environmental Paradigm(NEP), with an Ecologically Sustainable Development Paradigm(ESDP), Testing Scale Items on Rural and Regional Australian Occupational Groups, Sociological Sites/Sights ,TASA Conference, Flinders University, December 6-8.

Kilbourne,W & Polonsky,M. (2005). Environmental Attitudes and their Relation to the Dominant Social Paradigm Among University Students In New Zealand and Australia, Australasian Marketing Journal,Vol.13, No.2, PP: 37-40.

Kronenberg, J., & Lida, N.(2011). Simple living and sustainable consumption, Problems of sustainable Development, 6(2): 67-74.

Tracy , L ., (2008) , Global Warming and Sociology , Current Sociology , Vol.56 , No.445.